

آزمایشات آدمی (۱)

خداوند در آفرینش انسان از روح خودش در او دمید، سپس به او اختیار داد تا با استفاده از این نعمت، در دو راهی‌های زندگی و انتخاب میان خیر و شر، خدمت و خیانت، و خدا و شیطان، رشد و کمال یابد. اما انتخاب درست نیازمند اندیشه کردن و تلاش و تکاپو با قبول زحمت و محرومیت است که: نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.

آزمایش در نظر مردم، سنجشی است برای کسب اطلاع از نتیجه آزمون در باره آدمیان یا اشیاء و امور ذهنی، اما خداوند علیم و خبیر که محیط به ظاهر و باطن ماست، چه نیازی به آزمون دارد که این همه در قرآن از امتحان انسان‌ها سخن می‌گوید؟

به نظر می‌رسد برداشتی که از آزمون الهی در فرهنگ دینی ما می‌شود، چندان با فلسفه امتحان که در متن آیات و معنای واژه‌های مرتبط با آن فهمیده می‌شود سازگار نیست. به این دلیل شایسته دیده شد نگاهی اجمالی به میدان معنی‌شناسی "آزمایش" در معرفت دینی بیندازیم و کلمات بکار رفته در آن را مورد تأمل قرار دهیم.

این کلمات از این قرارند: امتحان، اختبار، تمحیص، تمخیض، ابتلاء و فتنه. که سعی می‌کنیم به معنای اصلی و تفاوت آنها با یکدیگر آگاه شویم.

امتحان

امتحان از ریشه "مَحَنَ" از مصدر "مَحَّيْتُ"، به کاری گفته می‌شود که با سختی و دشواری همراه است. یعنی برای رسیدن به نتیجه مطلوب و مقصود محبوب، باید خود را برای سختی‌ها آماده کرد و از عهده آن برآمد. در کتاب‌های لغت کاربرد این واژه را در زمینه‌های زیر تعریف کرده‌اند:

پالودن نقره از طریق گداختن آن در کوره ذوب فلزات برای رسیدن به خلوص عیار، گل و خاک را از چاه بیرون کشیدن برای رسیدن به آب، کشیدن چرم برای نرم و نازک و قابل عرضه کردن آن، تازیانه زدن برای تأدیب و تربیت. علاوه بر مفهوم "سختی"، مفهوم تداوم و استمرار نیز در کلمه امتحان وجود دارد. مثل: تمام روز را در حال تلاش یا راه رفتن بودن، راه بردن شتر تا جایی که خسته شود، پوشیدن جامه به مدت زیاد تا پوشیدن آن.

با ملاحظه این کاربردها در می‌یابیم که مفهوم امتحان، نه اطلاع یافتن از نتیجه يك آزمون، بلکه طی طریق سختی است که برای رسیدن به مقصود باید تحمل کنیم. این واژه فقط دوبار در قرآن آمده است که در زیر مشاهده می‌کنید:

حجرات ۳- (درباره مسلمانانی که با رعایت ادب و احترام در برابر پیامبر توانسته بودند بر فرهنگ قبیله‌ای و خُلق و خوی دوران جاهلیت، که از دور و با صدای بلند یکدیگر را خطاب می‌کردند غلبه یابند)... اولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوي..

ممتحنه ۱۰- (درباره زنان مهاجری که با ترك همسر مشرك خود به مدینه روی آورده و به جامعه اسلامی روی می‌آوردند و شرایط حساس زمانه ایجاب می‌کرد مورد شناسائی دقیق قرار گیرند تا مبدا انگیزه‌های دیگر فردی یا سیاسی موجب آن شده باشد).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاِمْتَحِنُوهُنَّ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِإِيمَانِهِنَّ ۗ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ ۚ لَنْ يَحِلَّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَأَنْتُمْ مَأْنُفِقُونَ ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ ۗ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ ۗ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ أَلَا مَا أَنْفَقُوا ۗ دَلَّكُمْ اللَّهُ ۗ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون زنان با ایمان مهاجر نزد شما آیند آنان را بیازمایید خدا به ایمان آنان دانایتر است پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید نه آن زنان بر ایشان حلالند و نه آن [مردان] بر این زنان حلال و هر چه خرج [این زنان] کرده‌اند به [شوهران] آنها بدهید و بر شما گناهی نیست که در صورتی که م هرشان را به آنان بدهید با ایشان ازدواج کنید و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید [و پایبند نباشید] و آنچه را شما [برای زنان مرتد و فراری خود که به کفار پناهنده شده‌اند] خرج کرده‌اید [از کافران] مطالبه کنید و آنها هم باید آنچه را خرج کرده‌اند [از شما] مطالبه کنند این حکم خداست [که] میان شما داوری می‌کند و خدا دانای حکیم است

تمحیص

به موضوع آزمون از زوایای مختلفی می‌توان نگرینست؛ قبول رنج و سختی يك بعد قضیه است که در کلمه "امتحان" جلوه می‌کند، تصفیه و پالایش نیز که نتیجه تحمل این سختی‌هاست، بعد دیگری است که در کلمه "تمحیص" مشاهده می‌گردد.

تمحیص (که از نظر قواعد زبان عربی در باب تعفیل آمده)، از ریشه "مَحَن" مشتق شده که به نوعی دلالت بر پاك و پیراسته شدن از پلیدی و پلشتی می‌کند. مواردی که کتاب‌های لغت از کاربرد این کلمه در زمینه‌های مختلف ذکر کرده‌اند به قرار زیر است: زَر را گداختن و ناخالصی‌هایش را جدا کردن (کاربردی که در کلمات امتحان و فتنه هم دیده می‌شود)، بهبود یافتن از بیماری، از میان رفتن بدی و دشواری، گوشت را از اضافات رگ و پی پاك کردن، بیرون آمدن خورشید از حجاب ابر و گرفتگی آسمان، جلا دادن سرنیزه، خالص و ناب کردن نوشابه، غفران الهی که بنده را پاك و مبرا از گناه سازد.

این واژه دو بار در قرآن به کار رفته است. هر دو بار در سوره آل عمران در باره هدف و فلسفه جنگ و جهاد دفاعی در اسلام:

آل عمران آیات ۱۴۰ تا ۱۴۳- **إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلَهُ** وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءً ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ؛ **وَلِيُمَحِّصَ** اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ؛ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ؛ وَلَقَدْ كُنْتُمْ نَمُوتُونَ الْمَوْتِ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُلْقِيَهُ فَفَدَّرَ رَأْيُهُمْ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

اگر به شما آسیبی رسیده آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعا] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد و از میان شما گواهانی بگیرد و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد ؛ و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد ؛ آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید بی‌آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد ؛ و شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبرو شوید سخت آرزو می‌کردید پس آن را دیدید و [همچنان] نگاه می‌کردید

آل عمران آیه ۱۵۴- يَقُولُونَ لَوْ كَان لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا ۗ قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ ۗ وَلِيُنَبِّئَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ **وَلِيُمَحِّصَ** مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

... می‌گفتند اگر ما را در این کار اختیاری بود [و وعده پیامبر واقعیت داشت] در اینجا کشته نمی‌شدیم بگو اگر شما در خانه‌های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند و [اینها] برای این است که خداوند آنچه را در دل‌های شماست [در عمل] بیازماید و آنچه را در قلب‌های شماست پاك گرداند و خدا به راز سینه‌ها آگاه است

تمخیز

این واژه که فقط يك بار در قرآن به معنای "درد زایمان" آمده است، نشانگر نهایت درد و رنجی است که لازمه هر تولدی می‌باشد. آیه مورد نظر که در توصیف شرایط تولد بنده پاك و پرهیزکار حق، حضرت عیسی بن مریم پس از دردی سهمگین در تنهائی و تبعید آمده است، اشاره‌ای بس لطیف به عمق معنائی این واژه دارد:

مریم ۲۲ و ۲۳- **فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَّتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ؛ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا**

پس مریم به عیسی آبتن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست ؛ تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت‌خرمایی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش‌شده بودم

گوئی "تمحیص" در مسیر پالایش خود به "تمخیز" (درد زایمان) می‌رسد که نماد سخت‌ترین دردهائی است که نوید تولد نوینی می‌دهد. حضرت مریم نیز که در قرآن به پاکی فوق‌العاده ستوده شده است، پس از عمری تلاش در مسیر طهارت نفس سرانجام کلمه‌ای را به دنیا آورد که در قرآن "کلمه الله" نامیده شده است (آل عمران ۳۹ و ۴۵ و نساء ۱۷۱).

معنای ریشه‌ای کلمه "مخض" در زبان عربی، زیر و روشن شدن و بالا و پائین رفتن است؛ مثل امواج متلاطم دریا، زیر و رو شدن توده‌های ابر به هنگام طوفان و تکان‌هائی که در روستاها برای استخراج کره از دوغ می‌دهند و بالا و پائین رفتن جنین آماده برای تولد در رحم مادر. اصطلاحی معروف است که «در زیر و رو شدن روزگار جوهر وجودی انسان شناخته می‌شود» (فی تقلب الاحوال تعرف جواهر الرجال). به این ترتیب مشکلات زیر و رو کننده‌ای که از آن وحشت می‌کنیم، در درون خود حامل نعمتی است که ما را می‌سازد.

ابرها تا از طریق باد، بالا و پائین نروند متراکم نمی‌شوند و بارانی نمی‌بارد. کَره نیز در بالا و پائین رفتن در مشك، خود را از دوغ و دوشاب جدا می‌کند. جنین نیز با جابجائی و تغییر موقعیت، راه خروج به دنیای تازه را پیدا می‌کند.

این کلمه هر چند در قرآن فقط يك بار آمده است، اما در نهج‌البلاغه بارها تکرار شده است. از جمله خطبه زیر که به طرز بی‌نظیری، گوئی قصدی برای آموزش در کار بوده است، حضرت علی[ؑ] همه واژه‌های مربوط به آزمون انسان را در يك عبارت آورده‌اند:
خطبه ۱۹۲ (بند ۳۹)- در باره انبیاء و اولیاء خدا:

و كانوا قوما مستضعفین، قد اختبرهم الله بالمخمصه، و ابتلاهم بالمجهده، و امتحنهم بالمخاوف، و مخضهم بالمکاره، فلا تعتبروا الرضي والسخط بالمال والولد جهلا بمواقع الفتنه والاختبار في موضع الغني والاقنتار....

آنها مردمانی تحت ظلم و ستم (به ضعف کشیده شده) بودند که خداوند آنان را با گرسنگی، مجاهدت‌ها، شرایط ترسناک و ناملایمات و سختی‌های زندگی آزموده بود. پس چنین نتیجه نگیرید که مال و اولاد را دلیل رضایت یا خشم خدا بگیرید که این قضاوت نشانه نادانی نسبت به آزمون الهی در شرایط گشاده یا تنگ دست بودن است.

اِخْتِبَار

اختبار (در باب افتعال) از ریشه "خبر" واژه دیگری در میدان معنی شناسی آزمون است که بر خیر حاصل از آزمون و نتیجه و محصول آن دلالت می‌کند. آیات زیر معنای این واژه را نشان می‌دهد:

محمد ۳۱- وَلَنْبَلُوْكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِيْنَ وَنَبَلُوْا اَخْبَارَكُمْ

و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم و گزارشهای مربوط به شما را رسیدگی کنیم

توبه ۹۴- (در باره منافقین گریزان از شرکت در جهاد) يَعْتَذِرُوْنَ اِلَيْكُمْ اِذَا رَجَعْتُمْ اِلَيْهِمْ ۗ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوْا لَنْ نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأْنَا اللّٰهُ مِنْ اَخْبَارِكُمْ ۗ

هنگامی که به سوی آنان بازگردید برای شما عذر می‌آورند بگو عذر نیاورید هرگز شما را باور نخواهیم داشت خدا ما را از خبرهای شما آگاه گردانیده و به زودی خدا و رسولش عمل شما را خواهند دید آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می‌شوید و از آنچه انجام می‌دادید به شما خبر می‌دهد